

# آفتاب یزد در گفتگو با محمدعلی بصیری کارشناس روابط بین‌الملل، روابط عربستان و آمریکای بایدن را بررسی می‌کند

**آفتاب یزد - رضا بردستانی:** یک کارشناس روابط بین‌الملل به آفتاب یزد می‌گوید: «چندان بعید نیست که بایدن خواهان نزدیک شدن به شاهزاده‌های مغضوب باشد؛ شاهزاده‌هایی نظیر بن‌نافیا!» محمد علی بصیری استاد دانشگاه اصفهان بر این عقیده است که بازی‌های دوگانه یا برخی متحدان و هم پیمانان آمریکا در بین دموکرات‌ها تازگی ندارد و اضافه می‌کند: «روسیه هرگز در زمینی که می‌داند آمریکایی‌ها روی آن نگاه حیثیتی دارند بازی نخواهد کرد اما روسیه شاید بیرون از این زمین و قبل از ورود با مقامات کاخ سفید به نتایجی برسد که جهان را شوکه کند!»

- سفر وزیر خارجه عربستان به مسکو؛ پیام‌های منطقه‌ای آن چیست؟**
- سه روز پیش از روی کار آمدن رسمی جو بایدن، سرگئی لاوروف و فیصل بن فرحان در مسکو وارد بحث و گفتگوهایی می‌شوند که می‌تواند پیام‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای داشته باشد:
- مسکو و ریاض به طور فعال در حال همکاری در زمینه‌هایی مانند انرژی هسته‌ای هستند
- روسیه همچنین به مذاکرات در حال انجام در مورد برگزاری مرحله سوم از مایشات بالینی واکسن اسپوتنیک وی در پادشاهی عربستان و بومی‌سازی تولید آن توجه دارد
- مسکو از سفر قریب الوقوع «محمد جواد ظریف» وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران به روسیه خبر داده است
- مسکو باهما تلاش کرده است بانی گفتگو میان ایران و کشورهای عرب حوزه خلیج فارس باشد

- طرح امنیت گروهی خلیج فارس که از سوی روسیه دو سال پیش به سازمان ملل ارائه شده است بر مشارکت همه کشورهای منطقه در تأمین امنیت آن تأکید دارد و پنج عضو دائمی شورای امنیت و برخی سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل می‌توانند در آن به عنوان ناظر حضور داشته باشند.

● **سفر بن فرحان به مسکو در آستانه خروج ترامپ از کاخ سفید، نشان‌دهنده نگرانی ریاض از آمریکای بدون ترامپ و به عبارت بهتر نگرانی از روی کار آمدن جو بایدن است که در سخنرانی انتخاباتی خود هم‌زمان با سالگرد ترور جمال خاشقچی، علیه عربستان سخنانی را مطرح کرد.**

- سفری که حساس و بی‌اهمیت است!**

آفتاب یزد در گفتگو با محمدعلی بصیری، ابعاد مختلف رویکرد جدید عربستان در دوران حضور جویابیدن در کاخ سفید و نیز نقش روسیه در این زمینه را بررسی کرده است. این روزها به نظر می‌رسد دستگاه دیپلماسی عربستان دچار سرگیجه شده است. فیصل بن فرحان پسی پله ی هواپیمایی که او را به مسکو خواهد برد به خبرنگاران می‌گوید: «روابط عربستان با آمریکا بایدن به همان قوت رابطه با آمریکا ترامپ خواهد بود.» از بصیری استاد دانشگاه اصفهان می‌پرسیم؛ سفر فرحان به مسکو تا چه اندازه می‌تواند حساس و مهم باشد؟

این تحلیلگر مسائل بین‌المللی می‌گوید: این سفر هم می‌تواند حساس باشد هم نه. از این بعد می‌تواند حساس باشد که دموکرات‌ها در سیاست خارجه اتحاد داشته‌اند وقتی که با آن شرعاری دموکراسی و حقوق بشر روی کار می‌آید و با قدرت نرمی که در سیاست خارجی دارند- برعکس جمهوری خواهان که روی شعارهای فروش اسلحه، کسب بازار و منابع نفتی مانور می‌دهند و با قدرت سخت عمل می‌کنند- چرخش‌هایی در سیاست خارجه شان نسبت به بعضی از دولت‌های متحد یا مناطق داشته‌اند و آن متحد یا دوست را تنها گذاشته‌اند و مسبب بسیاری از اتفاقات سیاسی در آن مناطق بودند. نمونه افهم آن روی کار آمدن آقای جیمی کارتر سال ۵۶ - ۵۷ در ایران است که با شعار گشایش‌های سیاسی، آزادسازی زندانیان و دفاع از حقوق بشر عملا محضرضا پهلوی را در تنگنایی قرار می‌دهد که خواسته یا ناخواسته نظام پهلوی که متحد استراتژیک آن‌ها است با انقلاب اسلامی سقوط می‌کند و مسئله‌ای که شاید نمی‌خواستند رخ می‌دهد.

- ریاض از سابقه ی دموکرات‌ها در سیاست خارجه هراس دارد**

وی ادامه می‌دهد: از این بُعد ممکن است آمدن آقای بایدن با این سابقه ی دموکرات‌ها که در گذشته نشان داده شده چرخشی نسبت به عربستان یا دولت‌های دیگر منطقه‌ای در سیاست خارجه آنها رخ دهد و اینها تنها گذشته نیستند و دچار تحولات درونی از درون شوند. عملکرد گذشته دموکرات‌ها سبب شده که عربستان چنین حرکتی را به سمت نه تنها روسیه بلکه قبل از آن به سمت چین هم داشته یعنی حجم مبادلاتی که بین چین و عربستان یا حتی سرمایه گذاری‌هایی که چین در حوزه‌های نظامی و غیر نظامی در همین چند سال اخیر در عربستان داشته بسیار قابل تأمل است که نشان می‌دهد دستخیز سلطنت عربستان این احتیاط‌ها را در نظر می‌گیرد که اگر زمانی آمریکایی‌ها بخواهند آنها را متها گرانند بی‌پشت و پناه نشوند چون



”**انگلیس هم بعد از دهه ۵۰ ضعیف شد و از بسیاری از مستعمرات که نمی‌توانست اداره کند خروج کرد از جمله خلیج فارس و شرق مدیترانه که جایگزین آن آمریکا که متحد استراتژیکش است گردید. و همچنان هم پشت استراک حضور دارد. این احتمال است که اگر چنین افولی رخ دهد مثل افول شوروی در مناطق نفوذ آمریکا و تحت سلطه از هم پاشیدگی یا بحران‌های بی‌ثباتی رخ دهد و قدرت‌های رقیب بخواهند در آنجا حضور پیدا کنند و دچار سقوط نظام‌ها و جنگ‌های بلندمدت شود**

“ دولتی است دارای سیاست خارجه تقریبا طبیعی و از لحاظ قوام نظامی و امنیتی وابسته و ضعیف می‌باشد. از بُعد دیگر شخصیتی که به مسکو اعزام کردند و یک چنین توان و مأموریتی به او داده شده باید منتظر روابط بعدی سعودی با روسیه بود که اگر توافق و پیمانی یا هیئت‌های مکملی در این مسیر رفت و آمد کنند فرضیه اول را اثبات می‌کند. اگر در همین حد بماند شاید فرضیه اول ضعیف باشد.

- چرخش دموکرات‌ها گامی منجر به تغییر نظام در برخی کشورها شده است**

استاد روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان می‌گوید: دموکرات‌ها همان‌طور که اشاره کردم این کارها را در گذشته کرده‌اند و این حرکات را در قبال ایران، مصر و یمن و حتی در قبال تونس نیز دیدیم که دست از حمایت آن چنانی برداشتنند و دلپیش هم این است که آنها، آن پارادوکس و تضادی که سیاست خارجه شان همیشه مورد انتقاد شدید است که شعارشان همیشه بوده است دموکراسی و حقوق بشر است و در مواردی متحدینی که ناقض گسترده دموکراسی و حقوق بشرند چشم بسته با آنها ارتباط دارند را رها کرده‌اند که در مورد جمهوری خواهان این انتقاد کمتر است.

- برای آمریکا بحرین و امارات از عربستان مهم‌تر اند**

بصیری اظهار می‌دارد: این‌ها برای تعدیل این دولت‌ها این حرکات را انجام می‌دهند و بسیاری اوقات نتیجه آن تغییر آن نظام و رژیم است به امید آنکه آن نظام و رژیم، معادل تر، دموکراتر و حقوق بشر را اجرا کنندتر روی کار آید. امروز هم ممکن است دموکرات‌ها چنین وضعی رقم زنند چون عربستان علی رغم منافع استراتژیک و به تعبیر آقای ترامپ گاو شبردگی است اما به لحاظ ساختار، وجهه و پرسنلش برای آمریکایی‌ها نقطه تحقیر است. تحولاتی که امروز در برخی از نقاط منطقه رخ داده و آمریکا روی آنها سرمایه‌گذاری نظامی بیشتری کرده که اخیرا هم کاخ سفید این را اشاره کرد که «استراتژی ترین» متحدین آمریکا فعلا در منطقه امارات و بحرین هستند و نه عربستان! حالا قطر هم تا حدودی این بازیگری را قصد دارد انجام دهد. بنابراین سرمایه‌گذاری‌هایی که اینها در این حاشیه انجام دادند ممکن است این ترقی را نشان دهد که برای تغییرات در درون دستگاه عربستان و تضعیف شدن دولت عربستان برای رفع این انتقاد از آنها بتواند رخ دهد از طرف دیگر هم با توجه به تحولاتی که در عراق شده یا با توجه به مذاکراتی که انجام بایدن بخواند با ایران انجام دهد این بازیگری را ممکن است در منطقه رقم زند که افراطی‌گری که جبهه عربستان انجام می‌دهد باید افول کند و بتواند آمریکا با دیگر بازیگران از جمله ایران و دولت‌های آینده عراق، سوریه و یمن تعامل سازنده‌تری انجام دهد و تا عربستان افراطی با این حمایت‌های افراطی‌گری که از جریان‌های سلفی-تفریحی می‌کند و سرکوب‌هایی که انجام می‌دهد مانعی بزرگ برای سیاست‌های آمریکا علی رغم اینکه به نظر می‌آید متحد استراتژیک آمریکا است، می‌باشد.

آفتاب یزد در گفتگو با محمدعلی بصیری کارشناس روابط بین‌الملل، روابط عربستان و آمریکای بایدن را بررسی می‌کند

# بایدن شاید خواهان حذف بن سلمان شود!

- ترویج بایدن شاید بن نایف باشد نه بن سلمان**

محمد علی بصیری در پاسخ به این پرسش آفتاب یزد که مجموعه ی این تغییرات آیا می‌تواند به حذف بن سلمان منتهی شود؟ می‌گوید: این احتمال وجود دارد چون الان با آمدن آقای بایدن بن سلمان بسیار وحشت کرده و حرکت‌های مقدماتی کرده و زد و بندهایی می‌کند که حمایت‌هایی داشته باشد. رفتارهایی که با اسرائیلی‌ها و با بدنه جمهوری خواهان داشته این سیگنال را احس کرده که آقای بایدن ممکن است به سمت شاهزاده‌های رقیبی که سر کوب کردند از جمله آقای بن نایف که در حصر است و بخشی از آمریکایی‌ها پشت آن هستند از جمله آقای بایدن این حرکت رخ دهد و بن سلمان تغییر کند و شاهزاده‌های معتدل‌تر که آن تغییرات مورد نظر دموکرات‌ها را در سیاست داخلی و خارجی بهتر پیش می‌برند ممکن است روی کار آورد.

- جایگاه روسیه در ژئوپلیتیک جدید منطقه!**

بصیری در پاسخ به این پرسش که تا چه اندازه ممکن است روسیه جایگزین آمریکا در برخی مناطق خاورمیانه شود، خاطرنشان می‌کند: به هر جهت چیزی که بعد از جنگ جهانی دوم و نظم نوین آن در کنفرانس یالتا یا به تعبیری کنفرانس تقسیم کره زمین بین فاتحین جنگ جهانی دوم بوده تا الان علی رغم فروپاشی شوروی و شکل‌گیری فدراسیون روسیه، بین دولت‌ها این تقسیم مناطق و دولت‌های تحت سلطه یا تحت نفوذ یا میان‌های شکار رعایت شده و جاهایی که مربوط به روسیه بوده، حتی به درگیری نظامی هم کشیده می‌شده که اگر رقیب می‌خواسته به این حوزه نزدیک شود روسیه با تمام توان برخورد نظامی می‌کرده مثل مسئله افغانستان یا در بحران گرجستان و قفقاز و آسیای میانه.

استاد روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان ادامه می‌دهد: در مناطق خاورمیانه و آفریقا هم این وضعیت هم چنان حفظ شده و اگر این چند رقیب حوزه‌های سنتی را بخواهند به آن ورود و خروج کنند هزینه‌های سنگینی را به آن دولت‌ها وارد می‌کنند همان‌طور که در افغانستان، عراق، یمن، لیبی و آخرین مورد در سوریه حوزه‌های نفوذ شوروی سابق بودند. ضعف شوروی و خروج از آن، این‌ها را به یک زمین سوخته تبدیل کرده و رقیب هم آن چنان نتوانسته برای همیشه در آن مستقر شود.

- افغانستان دستاوردی برای غرب نداشت**

بصیری معتقد است: علی رغم حضور ده ساله ناتو در افغانستان دستاوردی که غربی‌ها در افغانستان انتظار داشتند نتوانستند به‌دست آورند و همین‌طور در جنگ عراق. این وضعیت هم چنان حفظ شده یعنی به صورت توافق ضمنی این حوزه‌ها بین قدرت‌ها هنوز وجود دارد. از جمله ایران هم که منطقه نفوذ انگلوساکسون‌ها بوده و با تنش‌هایی که بعد انقلاب رخ داده خود را کنار کشیده، ادامه محاصره ایران، تحمیل جنگ و فشارها، همان سبب است که این حوزه نفوذ از منطقه غربی‌ها نگذراند خارج شود و به دست روسیه یا این چین افتد. مگر اینکه جنگ جهانی دیگری داشته باشیم و چنین جدید نظم نوین، سازمان‌های بین‌المللی جدید، کنوانسیون‌ها و پیمان نامه‌های جدید رخ دهد. اما الان که چنین چیزی رخ ندهد یک جنگ بیابانی و رقابت با واسطه‌ای در این حوزه‌های تحت نفوذ بین قدرت‌ها وجود دارد و عربستان هم در همین چارچوب قابل تغییر است که به راحتی از حوزه آمریکایی‌ها و غربی‌ها خارج نخواهدشد مگر بازیگری‌های محدودی برای تغییراتی که آنها اجازه دهند در این کشور رخ دهد.

- شاید آمریکا بخواهد در برخی مناطق جای خود را به روسیه بدهد**

محمد علی بصیری ابراز می‌دارد ممکن است آمریکایی‌ها درنظر داشته باشند تا از برخی مناطق خارج شده و آن را به روسیه واگذار کنند.

وی تأکید می‌کند: انگلیس هم بعد از دهه ۵۰ ضعیف شد و از بسیاری از مستعمرات که نمی‌توانست اداره کند خروج کرد از جمله خلیج فارس و شرق مدیترانه که جایگزین آن آمریکا که متحد استراتژیکش است گردید و همچنان هم پشت آمریکا حضور دارد. این احتمال است که اگر چنین افولی رخ دهد مثل افول شوروی در مناطق نفوذ آمریکا و تحت سلطه از هم پاشیدگی یا بحران‌های بی‌ثباتی رخ دهد و قدرت‌های رقیب بخواهند در آنجا حضور پیدا کنند و دچار سقوط نظام‌ها و جنگ‌های بلند مدت بشوند. افول شوروی به همین مسائل دامن زد که دولت‌های متحد او در آفریقا و آسیا به چنین سرنوشت‌هایی دچار شدند و رقبا می‌خواستند این حوزه‌ها را پر کنند که همچنان هم این درگیری‌ها استمرار پیدا کرده و روسیه امروز با احیا خود دوباره در این حوزه‌ها به صورت مستمر و غیر مستقیم بازیگری خود را شروع کرده چنین وضعیتی هم امکان دارد در آمریکا رخ دهد و این بی‌ثباتی را آمریکا در مناطق تحت نفوذش شاهد باشد.

## بوریس جانسون: به همکاری با بایدن در اهداف مشترک امید دارم

جانسون در توییتر اظهار کرد: اینکه امشب با جو بایدن صحبت می‌کنم عالی است. به تمساق اتحاد دیرینه بین کشورهاییمان هم‌زمان با هدایت پهبودی سنسز و پایدار از کووید ۱۹، چشم امید دوخته‌ام.

یک سخنگوی جانسون اظهار کرد این دو رهبر «همچنین در مورد منافع یک معامله باقوه تجارت آزاد بین دو کشور» صحبت کرده‌اند. بریتانیا سال گذشته اتحادیه اروپا را ترک کرد. او با یک رهبر اروپایی از زمان آغاز ریاست جمهوری بود.

نخست‌وزیر انگلستان گفت به همکاری با جو بایدن، رئیس جمهور آمریکا در اهداف مشترک از جمله مقابله با تغییرات آب و هوایی امیدوار است.

به گزارش ایسنا به نقل از رویترز، بوریس جانسون از نخستین تماس تلفنی خود با رئیس جمهور آمریکا برای استقبال از اعلامیه‌های بایدن مبنی بر پیوستن مجدد آمریکا به توافق ۲۰۱۵ پاریس و سازمان بهداشت جهانی استفاده کرد. آن‌ها همچنین درباره چشم‌اندازهای معامله تجارت آزاد صحبت کردند.

باور کنید نتیجه‌گیری است که فردای جامعه را شکل می‌دهد؛ نتیجه‌گیری که می‌گویم به یک عذرخواهی دو سطری و یک توییت و یک توضیح ویدیویی نمی‌تواند ختم شود، جامعه ی مصیبت زده ی له شده زیر فشار گرانی و تورم می‌خواهد برای فردای خود تصمیم بگیرد تصمیماتی که ریشه در نتیجه گیری‌های او دارند پس بایید مردم را، جامعه را، افکار عمومی را در نتیجه‌گیری تنها نگذارید، رها نکنید، نگویید فراموش می‌شود لای صداها و هزاران هزار خبر!

همه ی حرف در همین یک سطر است که اگر جامعه را در نتیجه‌گیری رها کنیم آن وقت جامعه نیز مقابله به مثل می‌کند؛ یعنی نه این که او نیز ما را رها کند بلکه قسسی القلب می‌شود در نتیجه گیری، خودسر می‌شود در تحلیل اصل و فرع ماجرا، بی‌رحم می‌شود در بخشش و لجاج می‌شود در پذیرفتن حتی عذرخواهی!

### امیر کویت مجددا صبح الخالد را مامور تشکیل دولت کرد

امیر کویت مجددا صبح الخالد الحمد الصباح را به تشکیل دولت جدید مکلف کرد. به‌گزارش ایسنا، به نقل از خبرگزاری رسمی کویت(کونا)، نواف الاحمد الجابر الصباح، امیر کویت صبح خالد الحمد الصباح را به عنوان نخست‌وزیر تعیین و وی را مامور تشکیل دولت جدید کرد. امیر کویت پیشتر استعفای دولت صبح الخالد را پذیرفت و از وی خواست تا زمان تشکیل دولت جدید به فعالیت خود به صورت موقت ادامه دهد.

**امروز: همان فردای دیروز است**

### «بزرگین» روزنامه‌های ایران

**در این ستون –بی هیچ دخل و تصرفی –گزیده‌ای از مطالب روزنامه‌های سراسری کشور را، فردای انتشار می‌توانید مطالعه کنید.**

در مقطع کنونی هم دربارۀ انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ شاهد اختلافاتی میان راست و چپ هستیم؛ به نحوی که نیروهای چپ باور دارند باید صرفا با نامزد کاملا اصلاح‌طلب وارد انتخابات شد و دیگر به‌هیچ‌وجه سیاست انتلافی نباید در دستور کار باشد و حتی اگر همه نامزدهای اصلاح‌طلب ر دصلاصیت شدند، اصلاح‌طلبان نباید از فردی حمایت کنند. در مقابل راست‌گرایان و مشخصا کارگزاران بازمه قاتل به استفاده از ظرفیت‌های سیاسی هستند، آنها می‌گویند اولویت حمایت از نامزد اصلاح‌طلب است، به این معنا که این احتمال وجود دارد که کارگزاران در شرایطی خاص بازمه به سمت سیاست‌اتلاف برسود. بااین‌حال، تا این لحظه هیچ نشانه‌ای از حمایت کارگزاران از نامزدهای نظامی به چشم نمی‌خورد و مشخص نیست سعید حجاریان این گزاره را که عقد کارگزاران و نامزدهای نظامی در آسمان‌ها بسته شده، با استناد به چه نشانه‌ای بیان کرده است.

#### ابتکار: خطای شناختی از خواست مردم

هرچه به انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ نزدیک می‌شویم اظهارنظرهای سیاسیون نیز بیشتر می‌شود

و البته طی روزهای اخیر صحبت‌های محمود واعظی درخصوص نقش کمرنگ جریان اصلاح‌طلبی در پیروز شدن حسن روحانی در پاسخ به صادق خرازی با واکنش‌هایی همراه شد. البته سخنان واعظی علیه اصلاح‌طلبان بی‌سابقه نیست و طی این چند سال هراز گاهی تکرار شده است. با این حال شاید کمتر کسی تردید داشته باشد که بدنه اجتماعی با تکیه بر حمایت‌های بزرگان اصلاح‌طلب و البته شعارهایی از همین جنس که توسط حسن روحانی مطرح شد؛ پای صندوق‌های رای آیمند. اما فارغ از بررسی دلایل این ال‌زامیر سیاسی توسط برخی از افراد نزدیک به رئیس جمهوری می‌توان موضوع را از منظر دیگری نیز بررسی کرد.

به بیان دیگر رای مردم در سال ۹۲ با سال ۹۶ تفاوت‌هایی جامعه شناختی دارد که در این خصوص نیز کارشناسان سیاسی اظهارنظرهایی را داشته‌اند. اگر در سال ۹۲ مردم به صورت سلبی پای صندوق‌های رای رفتند اما در سال ۹۶ به‌امید گشایش‌های بیشتر در عرصه اقتصاد، سیاسی و روابط بین‌الملل و با مشاهده نشانه‌های مثبت در دور اول به حسن روحانی رای دادند.

درنهایت اما امید برای بازگشتن به عقب با توجه به عملکرد دولت از مردم تبدیل به پاسی شد که نمود آن را در انتخابات مجلس یازدهم دیدیم. آقای واعظی اگر فکر می‌کند که رای مردم نه به اصلاحات که به واسطه تلاش ستاد ایشان یا مبنای اصولگرایی بوده است یا دچار شناختی از شناختی ساز و کار انتخابات در ایران شده است یا فراموش کرده که اساسا مشارکت‌های بالای مردم در ادوار مختلف انتخابات از جمله خرداود ۶۶ که ایشان خود جزو طرفداران جناح رقیب یعنی آقای ناطق نوری بوده است، به واسطه حضور جریان اصلاح طلب در انتخابات بوده است. اینکه جریان اصلاح طلب با برخی از چهره‌های اش نتوانستند آطور که افکار عمومی انتظار داشت عملکرد مثبتی داشته باشد خود را با هر شرایطی وفق دهند و یا هر کیفیتی در انتخابات حاضر شوند، حتی اگر سبمی در قدرت هم داشته باشند، پایگاه اجتماعی خود را از دست می‌دهند. مشخصا شخصیت‌هایی مانند سعید حجاریان، مصطفی تاجزاده، علوی‌تبار، تاجیک و… می‌گویند در شرایطی که اصلاح‌طلبان مورد نقد جامعه قرار گرفته‌اند، باید به جامعه برگردند و از سیاست رسمی فاصله بگیرند تا بتوانند زمانی وارد سیاست بشوند که سرمایه اجتماعی‌شان حمایتشان کند. علاوه بر این، تفاوت دیدگاه کارگزاران با طیف چپ با محوریت حزب مشارکت، در میانه دهه ۲۰ بر سر نقش کبر هاشمی‌رفسنجانی هم عاملی برای اختلاف بود. مشارکتی‌ها در آن سال‌ها به ندی علیه هاشمی می‌تاختند و او را نماینده وضع موجود می‌دانستند و کارگزاران که هاشمی را به‌عنوان رهبر ممنوی خود می‌دانست از عملکرد دو دولت هاشمی دفاع می‌کرد. این تقابل بعد از پیروزی خاتمی و تشکیل حزب مشارکت و البته با جریان انتخابات مجلس ششم به بالاترین شکل ممکن رخ نمود؛ به‌نحوی‌که هاشمی نفر آخر تهران شد

و در نهایت به دلیل آنکه صدایش در مجلس سراسر اصلاح‌طلب ششم یازتاب درخور توجهی نداشت، به توصیه نزدیکانش در کارگزاران از نمایندگی مجلس انصراف داد. البته این اختلاف‌ها هیچ‌گاه باعث ایجاد اشتقاق میان دو طیف راست و چپ اصلاحات نشد و در حصد تفاوت دیدگاه باقی‌مانده می‌تاختند و او را نماینده وضع موجود می‌دانستند و کارگزاران که هاشمی را به‌عنوان رهبر ممنوی خود می‌دانست از عملکرد دو دولت هاشمی دفاع می‌کرد. این تقابل بعد از پیروزی خاتمی و تشکیل حزب مشارکت و البته با جریان انتخابات مجلس ششم به بالاترین شکل ممکن رخ نمود؛ به‌نحوی‌که هاشمی نفر آخر تهران شد و در نهایت به دلیل آنکه صدایش در مجلس سراسر اصلاح‌طلب ششم یازتاب درخور توجهی نداشت، به توصیه نزدیکانش در کارگزاران از نمایندگی مجلس انصراف داد. البته این اختلاف‌ها هیچ‌گاه باعث ایجاد اشتقاق میان دو طیف راست و چپ اصلاحات نشد و در حصد تفاوت دیدگاه باقی‌مانده می‌تاختند و او را نماینده وضع موجود می‌دانستند و کارگزاران که هاشمی را به‌عنوان رهبر ممنوی خود می‌دانست از عملکرد دو دولت هاشمی دفاع می‌کرد. این تقابل بعد از پیروزی خاتمی و تشکیل حزب مشارکت و البته با جریان انتخابات مجلس ششم به بالاترین شکل ممکن رخ نمود؛ به‌نحوی‌که هاشمی نفر آخر تهران شد و در نهایت به دلیل آنکه صدایش در مجلس سراسر اصلاح‌طلب ششم یازتاب درخور توجهی نداشت، به توصیه نزدیکانش در کارگزاران از نمایندگی مجلس انصراف داد. البته این اختلاف‌ها هیچ‌گاه باعث ایجاد اشتقاق میان دو طیف راست و چپ اصلاحات نشد و در حصد تفاوت دیدگاه باقی‌مانده می‌تاختند و او را نماینده وضع موجود می‌دانستند و کارگزاران که هاشمی را به‌عنوان رهبر ممنوی خود می‌دانست از عملکرد دو دولت هاشمی دفاع می‌کرد. این تقابل بعد از پیروزی خاتمی و تشکیل حزب مشارکت و البته با جریان انتخابات مجلس ششم به بالاترین شکل ممکن رخ نمود؛ به‌نحوی‌که هاشمی نفر آخر تهران شد و در نهایت به دلیل آنکه صدایش در مجلس سراسر اصلاح‌طلب ششم یازتاب درخور توجهی نداشت، به توصیه نزدیکانش در کارگزاران از نمایندگی مجلس انصراف داد. البته این اختلاف‌ها هیچ‌گاه باعث ایجاد اشتقاق میان دو طیف راست و چپ اصلاحات نشد و در حصد تفاوت دیدگاه باقی‌مانده می‌تاختند و او را نماینده وضع موجود می‌دانستند و کارگزاران که هاشمی را به‌عنوان رهبر ممنوی خود می‌دانست از عملکرد دو دولت هاشمی دفاع می‌کرد. این تقابل بعد از پیروزی خاتمی و تشکیل حزب مشارکت و البته با جریان انتخابات مجلس ششم به بالاترین شکل ممکن رخ نمود؛ به‌نحوی‌که هاشمی نفر آخر تهران شد و در نهایت به دلیل آنکه صدایش در مجلس سراسر اصلاح‌طلب ششم یازتاب درخور توجهی نداشت، به توصیه نزدیکانش در کارگزاران از نمایندگی مجلس انصراف داد. البته این اختلاف‌ها هیچ‌گاه باعث ایجاد اشتقاق میان دو طیف راست و چپ اصلاحات نشد و در حصد تفاوت دیدگاه باقی‌مانده می‌تاختند و او را نماینده وضع موجود می‌دانستند و کارگزاران که هاشمی را به‌عنوان رهبر ممنوی خود می‌دانست از عملکرد دو دولت هاشمی دفاع می‌کرد. این تقابل بعد از پیروزی خاتمی و تشکیل حزب مشارکت و البته با جریان انتخابات مجلس ششم به بالاترین شکل ممکن رخ نمود؛ به‌نحوی‌که هاشمی نفر آخر تهران شد و در نهایت به دلیل آنکه صدایش در مجلس سراسر اصلاح‌طلب ششم یازتاب درخور توجهی نداشت، به توصیه نزدیکانش در کارگزاران از نمایندگی مجلس انصراف داد. البته این اختلاف‌ها هیچ‌گاه باعث ایجاد اشتقاق میان دو طیف راست و چپ اصلاحات نشد و در حصد تفاوت دیدگاه باقی‌مانده می‌تاختند و او را نماینده وضع موجود می‌دانستند و کارگزاران که هاشمی را به‌عنوان رهبر ممنوی خود می‌دانست از عملکرد دو دولت هاشمی دفاع می‌کرد. این تقابل بعد از پیروزی خاتمی و تشکیل حزب مشارکت و البته با جریان انتخابات مجلس ششم به بالاترین شکل ممکن رخ نمود؛ به‌نحوی‌که هاشمی نفر آخر تهران شد و در نهایت به دلیل آنکه صدایش در مجلس سراسر اصلاح‌طلب ششم یازتاب درخور توجهی نداشت، به توصیه نزدیکانش در کارگزاران از نمایندگی مجلس انصراف داد. البته این اختلاف‌ها هیچ‌گاه باعث ایجاد اشتقاق میان دو طیف راست و چپ اصلاحات نشد و در حصد تفاوت دیدگاه باقی‌مانده می‌تاختند و او را نماینده وضع موجود می‌دانستند و کارگزاران که هاشمی را به‌عنوان رهبر ممنوی خود می‌دانست از عملکرد دو دولت هاشمی دفاع می‌کرد. این تقابل بعد از پیروزی خاتمی و تشکیل حزب مشارکت و البته با جریان انتخابات مجلس ششم به بالاترین شکل ممکن رخ نمود؛ به‌نحوی‌که هاشمی نفر آخر تهران شد و در نهایت به دلیل آنکه صدایش در مجلس سراسر اصلاح‌طلب ششم یازتاب درخور توجهی نداشت، به توصیه نزدیکانش در کارگزاران از نمایندگی مجلس انصراف داد. البته این اختلاف‌ها هیچ‌گاه باعث ایجاد اشتقاق میان دو طیف راست و چپ اصلاحات نشد و در حصد تفاوت دیدگاه باقی‌مانده می‌تاختند و او را نماینده وضع موجود می‌دانستند و کارگزاران که هاشمی را به‌عنوان رهبر ممنوی خود می‌دانست از عملکرد دو دولت هاشمی دفاع می‌کرد. این تقابل بعد از پیروزی خاتمی و تشکیل حزب مشارکت و البته با جریان انتخابات مجلس ششم به بالاترین شکل ممکن رخ نمود؛ به‌نحوی‌که هاشمی نفر آخر تهران شد و در نهایت به دلیل آنکه صدایش در مجلس سراسر اصلاح‌طلب ششم یازتاب درخور توجهی نداشت، به توصیه نزدیکانش در کارگزاران از نمایندگی مجلس انصراف داد. البته این اختلاف‌ها هیچ‌گاه باعث ایجاد اشتقاق میان دو طیف راست و چپ اصلاحات نشد و در حصد تفاوت دیدگاه باقی‌مانده می‌تاختند و او را نماینده وضع موجود می‌دانستند و کارگزاران که هاشمی را به‌عنوان رهبر ممنوی خود می‌دانست از عملکرد دو دولت هاشمی دفاع می‌کرد. این تقابل بعد از پیروزی خاتمی و تشکیل حزب مشارکت و البته با جریان انتخابات مجلس ششم به بالاترین شکل ممکن رخ نمود؛ به‌نحوی‌که هاشمی نفر آخر تهران شد و در نهایت به دلیل آنکه صدایش در مجلس سراسر اصلاح‌طلب ششم یازتاب درخور توجهی نداشت، به توصیه نزدیکانش در کارگزاران از نمایندگی مجلس انصراف داد. البته این اختلاف‌ها هیچ‌گاه باعث ایجاد اشتقاق میان دو طیف راست و چپ اصلاحات نشد و در حصد تفاوت دیدگاه باقی‌مانده می‌تاختند و او را نماینده وضع موجود می‌دانستند و کارگزاران که هاشمی را به‌عنوان رهبر ممنوی خود می‌دانست از عملکرد دو دولت هاشمی دفاع می‌کرد. این تقابل بعد از پیروزی خاتمی و تشکیل حزب مشارکت و البته با جریان انتخابات مجلس ششم به بالاترین شکل ممکن رخ نمود؛ به‌نحوی‌که هاشمی نفر آخر تهران شد و در نهایت به دلیل آنکه صدایش در مجلس سراسر اصلاح‌طلب ششم یازتاب درخور توجهی نداشت، به توصیه نزدیکانش در کارگزاران از نمایندگی مجلس انصراف داد. البته این اختلاف‌ها هیچ‌گاه باعث ایجاد اشتقاق میان دو طیف راست و چپ اصلاحات نشد و در حصد تفاوت دیدگاه باقی‌مانده می‌تاختند و او را نماینده وضع موجود می‌دانستند و کارگزاران که هاشمی را به‌عنوان رهبر ممنوی خود می‌دانست از عملکرد دو دولت هاشمی دفاع می‌کرد. این تقابل بعد از پیروزی خاتمی و تشکیل حزب مشارکت و البته با جریان انتخابات مجلس ششم به بالاترین شکل ممکن رخ نمود؛ به‌نحوی‌که هاشمی نفر آخر تهران شد و در نهایت به دلیل آنکه صدایش در مجلس سراسر اصلاح‌طلب ششم یازتاب درخور توجهی نداشت، به توصیه نزدیکانش در کارگزاران از نمایندگی مجلس انصراف داد. البته این اختلاف‌ها هیچ‌گاه باعث ایجاد اشتقاق میان دو طیف راست و چپ اصلاحات نشد و در حصد تفاوت دیدگاه باقی‌مانده می‌تاختند و او را نماینده وضع موجود می‌دانستند و کارگزاران که هاشمی را به‌عنوان رهبر ممنوی خود می‌دانست از عملکرد دو دولت هاشمی دفاع می‌کرد. این تقابل بعد از پیروزی خاتمی و تشکیل حزب مشارکت و البته با جریان انتخابات مجلس ششم به بالاترین شکل ممکن رخ نمود؛ به‌نحوی‌که هاشمی نفر آخر تهران شد و در نهایت به دلیل آنکه صدایش در مجلس سراسر اصلاح‌طلب ششم یازتاب درخور توجهی نداشت، به توصیه نزدیکانش در کارگزاران از نمایندگی مجلس انصراف داد. البته این اختلاف‌ها هیچ‌گاه باعث ایجاد اشتقاق میان دو طیف راست و چپ اصلاحات نشد و در حصد تفاوت دیدگاه باقی‌مانده می‌تاختند و او را نماینده وضع موجود می‌دانستند و کارگزاران که هاشمی را به‌عنوان رهبر ممنوی خود می‌دانست از عملکرد دو دولت هاشمی دفاع می‌کرد. این تقابل بعد از پیروزی خاتمی و تشکیل حزب مشارکت و البته با جریان انتخابات مجلس ششم به بالاترین شکل ممکن رخ نمود؛ به‌نحوی‌که هاشمی نفر آخر تهران شد و در نهایت به دلیل آنکه صدایش در مجلس سراسر اصلاح‌طلب ششم یازتاب درخور توجهی نداشت، به توصیه نزدیکانش در کارگزاران از نمایندگی مجلس انصراف داد. البته این اختلاف‌ها هیچ‌گاه باعث ایجاد اشتقاق میان دو طیف راست و چپ اصلاحات نشد و در حصد تفاوت دیدگاه باقی‌مانده می‌تاختند و او را نماینده وضع موجود می‌دانستند و کارگزاران که هاشمی را به‌عنوان رهبر ممنوی خود می‌دانست از عملکرد دو دولت هاشمی دفاع می‌کرد. این تقابل بعد از پیروزی خاتمی و تشکیل حزب مشارکت و البته با جریان انتخابات مجلس ششم به بالاترین شکل ممکن رخ نمود؛ به‌نحوی‌که هاشمی نفر آخر تهران شد و در نهایت به دلیل آنکه صدایش در مجلس سراسر اصلاح‌طلب ششم یازتاب درخور توجهی نداشت، به توصیه نزدیکانش در کارگزاران از نمایندگی مجلس انصراف داد. البته این اختلاف‌ها هیچ‌گاه باعث ایجاد اشتقاق میان دو طیف راست و چپ اصلاحات نشد و در حصد تفاوت دیدگاه باقی‌مانده می‌تاختند و او را نماینده وضع موجود می‌دانستند و کارگزاران که هاشمی را به‌عنوان رهبر ممنوی خود می‌دانست از عملکرد دو دولت هاشمی دفاع می‌کرد. این تقابل بعد از پیروزی خاتمی و تشکیل حزب مشارکت و البته با جریان انتخابات مجلس ششم به بالاترین شکل ممکن رخ نمود؛ به‌نحوی‌که هاشمی نفر آخر تهران شد و در نهایت به دلیل آنکه صدایش در مجلس سراسر اصلاح‌طلب ششم یازتاب درخور توجهی نداشت، به توصیه نزدیکانش در کارگزاران از نمایندگی مجلس انصراف داد. البته این اختلاف‌ها هیچ‌گاه باعث ایجاد اشتقاق میان دو طیف راست و چپ اصلاحات نشد و در حصد تفاوت دیدگاه باقی‌مانده می‌تاختند و او را نماینده وضع موجود می‌دانستند و کارگزاران که هاشمی را به‌عنوان رهبر ممنوی خود می‌دانست از عملکرد دو دولت هاشمی دفاع می‌کرد. این تقابل بعد از پیروزی خاتمی و تشکیل حزب مشارکت و البته با جریان انتخابات مجلس ششم به بالاترین شکل ممکن رخ نمود؛ به‌نحوی‌که هاشمی نفر آخر تهران شد و در نهایت به دلیل آنکه صدایش در مجلس سراسر اصلاح‌طلب ششم یازتاب درخور توجهی نداشت، به توصیه نزدیکانش در کارگزاران از نمایندگی مجلس انصراف داد. البته این اختلاف‌ها هیچ‌گاه باعث ایجاد اشتقاق میان دو طیف راست و چپ اصلاحات نشد و در حصد تفاوت دیدگاه باقی‌مانده می‌تاختند و او را نماینده وضع موجود می‌دانستند و کارگزاران که هاشمی را به‌عنوان رهبر ممنوی خود می‌دانست از عملکرد دو دولت هاشمی دفاع می‌کرد. این تقابل بعد از پیروزی خاتمی و تشکیل حزب مشارکت و البته با جریان انتخابات مجلس ششم به بالاترین شکل ممکن رخ نمود؛ به‌نحوی‌که هاشمی نفر آخر تهران شد و در نهایت به دلیل آنکه صدایش در مجلس سراسر اصلاح‌طلب ششم یازتاب درخور توجهی نداشت، به توصیه نزدیکانش در کارگزاران از نمایندگی مجلس انصراف داد. البته این اختلاف‌ها هیچ‌گاه باعث ایجاد اشتقاق میان دو طیف راست و چپ اصلاحات نشد و در حصد تفاوت دیدگاه باقی‌مانده می‌تاختند و او را نماینده وضع موجود می‌دانستند و کارگزاران که هاشمی را به‌عنوان رهبر ممنوی خود می‌دانست از عملکرد دو دولت هاشمی دفاع می‌کرد. این تقابل بعد از پیروزی خاتمی و تشکیل حزب مشارکت و البته با جریان انتخابات مجلس ششم به بالاترین شکل ممکن رخ نمود؛ به‌نحوی‌که هاشمی نفر آخر تهران شد و در نهایت به دلیل آنکه صدایش در مجلس سراسر اصلاح‌طلب ششم یازتاب درخور توجهی نداشت، به توصیه نزدیکانش در کارگزاران از نمایندگی مجلس انصراف داد. البته این اختلاف‌ها هیچ‌گاه باعث ایجاد اشتقاق میان دو طیف راست و چپ اصلاحات نشد و در حصد تفاوت دیدگاه باقی‌مانده می‌تاختند و او را نماینده وضع موجود می‌دانستند و کارگزاران که هاشمی را به‌عنوان رهبر ممنوی خود می‌دانست از عملکرد دو دولت هاشمی دفاع می‌کرد. این تقابل بعد از پیروزی خاتمی و تشکیل حزب مشارکت و البته با جریان انتخابات مجلس ششم به بالاترین شکل ممکن رخ نمود؛ به‌نحوی‌که هاشمی نفر آخر تهران شد و در نهایت به دلیل آنکه صدایش در مجلس سراسر اصلاح‌طلب ششم یازتاب درخور توجهی نداشت، به توصیه نزدیکانش در کارگزاران از نمایندگی مجلس انصراف داد. البته این اختلاف‌ها هیچ‌گاه باعث ایجاد اشتقاق میان دو طیف راست و چپ اصلاحات نشد و در حصد تفاوت دیدگاه باقی‌مانده می‌تاختند و او را نماینده وضع موجود می‌دانستند و کارگزاران که هاشمی را به‌عنوان رهبر ممنوی خود می‌دانست از عملکرد دو دولت هاشمی دفاع می‌کرد. این تقابل بعد از پیروزی خاتمی و تشکیل حزب مشارکت و البته با جریان انتخابات مجلس ششم به بالاترین شکل ممکن رخ نمود؛ به‌نحوی‌که هاشمی نفر آخر تهران شد و در نهایت به دلیل آنکه صدایش در مجلس سراسر اصلاح‌طلب ششم یازتاب درخور توجهی نداشت، به توصیه نزدیکانش در کارگزاران از نمایندگی مجلس انصراف داد. البته این اختلاف‌ها هیچ‌گاه باعث ایجاد اشتقاق میان دو طیف راست و چپ اصلاحات نشد و در حصد تفاوت دیدگاه باقی‌مانده می‌تاختند و او را نماینده وضع موجود می‌دانستند و کارگزاران که هاشمی را به‌عنوان رهبر ممنوی خود می‌دانست از عملکرد دو دولت هاشمی دفاع می‌کرد. این تقابل بعد از پیروزی خاتمی و تشکیل حزب مشارکت و البته با جریان انتخابات مجلس ششم به بالاترین شکل ممکن رخ نمود؛ به‌نحوی‌که هاشمی نفر آخر تهران شد و در نهایت به دلیل آنکه صدایش در مجلس سراسر اصلاح‌طلب ششم یازتاب درخور توجهی نداشت، به توصیه نزدیکانش در کارگزاران از نمایندگی مجلس انصراف داد. البته این اختلاف‌ها هیچ‌گاه باعث ایجاد اشتقاق میان دو طیف راست و چپ اصلاحات نشد و در حصد تفاوت دیدگاه باقی‌مانده می‌تاختند و او را نماینده وضع موجود می‌دانستند و کارگزاران که هاشمی را به‌عنوان رهبر ممنوی خود می‌دانست از عملکرد دو دولت هاشمی دفاع می‌کرد. این تقابل بعد از پیروزی خاتمی و تشکیل حزب مشارکت و البته با جریان انتخابات مجلس ششم به بالاترین شکل ممکن رخ نمود؛ به‌نحوی‌که هاشمی نفر آخر تهران شد و در نهایت به دلیل آنکه صدایش در مجلس سراسر اصلاح‌طلب ششم یازتاب درخور توجهی نداشت، به توصیه نزدیکانش در کارگزاران از نمایندگی مجلس انصراف داد. البته این اختلاف‌ها هیچ‌گاه باعث ایجاد اشتقاق میان دو طیف راست و چپ اصلاحات نشد و در حصد تفاوت دیدگاه باقی‌مانده می‌تاختند و او را نماینده وضع موجود می‌دانستند و کارگزاران که هاشمی را به‌عنوان رهبر ممنوی خود می‌دانست از عملکرد دو دولت هاشمی دفاع می‌کرد. این تقابل بعد از پیروزی خاتمی و تشکیل حزب مشارکت و البته با جریان انتخابات مجلس ششم به بالاترین شکل ممکن رخ نمود؛ به‌نحوی‌که هاشمی نفر آخر تهران شد و در نهایت به دلیل آنکه صدایش در مجلس سراسر اصلاح‌طلب ششم یازتاب درخور توجهی نداشت، به توصیه نزدیکانش در کارگزاران از نمایندگی مجلس انصراف داد. البته این اختلاف‌ها هیچ‌گاه باعث ایجاد اشتقاق میان دو طیف راست و چپ اصلاحات نشد و در حصد تفاوت دیدگاه باقی‌مانده می‌تاختند و او را نماینده وضع موجود می‌دانستند و کارگزاران که هاشمی را به‌عنوان رهبر ممنوی خود می‌دانست از عملکرد دو دولت هاشمی دفاع می‌کرد. این تقابل بعد از پیروزی خاتمی و تشکیل حزب مشارکت و البته با جریان انتخابات مجلس ششم به بالاترین شکل ممکن رخ نمود؛ به‌نحوی‌که هاشمی نفر آخر تهران شد و در نهایت به دلیل آنکه صدایش در مجلس سراسر اصلاح‌طلب ششم یازتاب درخور توجهی نداشت، به توصیه نزدیکانش در کارگزاران از نمایندگی مجلس انصراف داد. البته این اختلاف‌ها هیچ‌گاه باعث ایجاد اشتقاق میان دو طیف راست و چپ اصلاحات نشد و در حصد تفاوت دیدگاه باقی‌مانده می‌تاختند و او را نماینده وضع موجود می‌دانستند و کارگزاران که هاشمی را به‌عنوان رهبر ممنوی خود می‌دانست از عملکرد دو دولت هاشمی دفاع می‌کرد. این تقابل بعد از پیروزی خاتمی و تشکیل حزب مشارکت و البته با جریان انتخابات مجلس ششم به بالاترین شکل ممکن رخ نمود؛ به‌نحوی‌که هاشمی نفر آخر تهران شد و در نهایت به دلیل آنکه صدایش در مجلس سراسر اصلاح‌طلب ششم یازتاب درخور توجهی نداشت، به توصیه نزدیکانش در کارگزاران از نمایندگی مجلس انصراف داد. البته این اختلاف‌ها هیچ‌گاه باعث ایجاد اشتقاق میان دو طیف راست و چپ اصلاحات نشد و در حصد تفاوت دیدگاه باقی‌مانده می‌تاختند و او را نماینده وضع موجود می‌دانستند و کارگزاران که هاشمی را به‌عنوان رهبر ممنوی خود می‌دانست از عملکرد دو دولت هاشمی دفاع می‌کرد. این تقابل بعد از پیروزی خاتمی و تشکیل حزب مشارکت و البته با جریان انتخابات مجلس ششم به بالاترین شکل ممکن رخ نمود؛ به‌نحوی‌که هاشمی نفر آخر تهران شد و در نهایت به دلیل آنکه صدایش در مجلس سراسر اصلاح‌طلب ششم یازتاب درخور توجهی نداشت، به توصیه نزدیکانش در کارگزاران از نمایندگی مجلس انصراف داد. البته این اختلاف‌ها هیچ‌گاه باعث ایجاد اشتقاق میان دو طیف راست و چپ اصلاحات نشد و در حصد تفاوت دیدگاه باقی‌مانده می‌تاختند و او را نماینده وضع موجود می‌دانستند و کارگزاران که هاشمی را به‌عنوان رهبر ممنوی خود می‌دانست از عملکرد دو دولت هاشمی دفاع می‌کرد. این تقابل بعد از پیروزی خاتمی و تشکیل حزب مشارکت و البته با جریان انتخابات مجلس ششم به بالاترین شکل ممکن رخ نمود؛ به‌نحوی‌که هاشمی نفر آخر تهران شد و در نهایت به دلیل آنکه صدایش در مجلس سراسر اصلاح‌طلب ششم یازتاب درخور توجهی نداشت، به توصیه نزدیکانش در کارگزاران از نمایندگی مجلس انصراف داد. البته این اختلاف‌ها هیچ‌گاه باعث ایجاد اشتقاق میان دو طیف راست و چپ اصلاحات نشد و در حصد تفاوت دیدگاه باقی‌مانده می‌تاختند و او را نماینده وضع موجود می‌دانستند و کارگزاران که هاشمی را به‌عنوان رهبر ممنوی خود می‌دانست از عملکرد دو دولت هاشمی دفاع می‌کرد. این تقابل بعد از پیروزی خاتمی و تشکیل حزب مشارکت و البته با جریان انتخابات مجلس ششم به بالاترین شکل ممکن رخ نمود؛ به‌نحوی‌که هاشمی نفر آخر تهران شد و در نهایت به دلیل آنکه صدایش در مجلس سراسر اصلاح‌طلب ششم